

رئیس دانشگاه آزاد: ۱۸ هزار «جوان انقلابی» جایگزین اساتید حق التدریس شدند

دانشگاهها در سراسری فروپاشی علمی



مدیرکل حفاظت محیط زیست استان:

مردم تهران، زباله نفس می کشند

مدیرکل حفاظت محیط زیست استان تهران، گفت: پسماندسوزی و ضایعات سوزی در حاشیه پایتخت در تشدید آلودگی هوای تهران در هفته های اخیر بسیار نقش داشته است. به گزارش مهر، علیرضا مزیانی افزود: متأسفانه شاهد پسماندسوزی های گسترده در کهریزک، باقرشهر و حاشیه های شهرستان ری هستیم و دستگاه های مسئول و متولی باید به تکلیف خود در خصوص مقابله با پسماندسوزی و ضایعات سوزی با جدیت بیشتری عمل کنند.

سهیمه سوخت خودروهای بدون بیمه قطع می شود

سرپرست ستاد مدیریت سوخت حمل و نقل از تغییرات در سهیمه بنزین خودروها خبر داد و گفت در همین رابطه سهیمه سوخت ناوگانی که بیمه «شخص ثالث» نداشته باشند، قطع خواهد شد. علیرضا احمدی فینی این اقدام را در راستای رفع ناترازی در حوزه انرژی دانست و اعلام کرد که از حدود یک ماه پیش اطلاع رسانی برای رانندگان آغاز شده و راننده هنگام مراجعه به جایگاه برای زدن سوخت در صورت نداشتن بیمه شخص ثالث یک هشدار دریافت می کند.

معاون اجرایی رئیس جمهور:

دستور داده شده که در سیاست فیلترینگ بازنگری شود

معاون اجرایی رئیس جمهور اعلام کرد: «رئیس جمهور به مجموعه وزارت ارتباطات و مرکز ملی فضای مجازی دستور داده است که در زمینه سیاست فیلترینگ بررسی مجدد صورت بگیرد.» به گزارش دیده بان ایران؛ محسن منصوری در نشست دانشجویی با موضوع بررسی عملکرد دو ساله دولت سیزدهم، تأکید کرد: «هیچ کشوری اجازه نمی دهد که هر کس به هر شکلی که می خواهد فضای مجازی کاربران آن کشور فعالیت کند. اگر پیام رسانی قصد فعالیت دارد، باید قوانین کشور را بپذیرد.»

دادستان خبر داد:

دستگیری تعدادی از مدیران منابع طبیعی تهران به اتهام رشوه

دادستان تهران از دستگیری تعدادی از مدیران اداره منابع طبیعی و آبخیزداری برای برخی آبخیزداری تهران به اتهام رشوه خبر داد. علی صالحی با اشاره به اقدامات دادستانی تهران در مقابله با زمین خوار اظهار کرد: بر اساس گزارش بازپرسی ناحیه ۳۷ تهران، تعدادی از مدیران اداره منابع طبیعی و آبخیزداری برای برخی افراد با انجام روش هایی نظیر اصلاح هندسی نسبت به اعلام مستثنی بودن اراضی ملی اقدام و در قبال آن رشوه دریافت می کردند. وی افزود: یکی از نمونه های اقدامات این افراد در مورد ملکی ۱۱ هکتاری در منطقه وردیچ از توابع استان تهران است که فردی با استفاده از نفوذ و پرداخت رشوه به مسئولان اداره منابع طبیعی موفق به اخذ نظر به اعلام مستثنی این ملک شده است.

افزایش ۲۰ درصدی حقوق سران

نمایندگه مردم تهران در مجلس گفت: حقوق سران از پایان آذرماه حدود ۲۰ درصد افزایش می یابد و به صورت میانگین از ۳ میلیون و ۸۵۰ هزار و ۴۰۰ میلیون و ۶۵۰ هزار تومان می رسد. سیدمحسن دهنوی درباره توافقات انجام شده در خصوص افزایش حقوق سران افزود: در تبصره (۱۲) قانون بودجه امسال مصوب کردیم که حقوق پرداختی به سران بین ۶۰ تا ۹۰ درصد پایور هم تر از باشد.

پس از ۶ سال وقفه انجام شد

آغاز توزیع «شیر رایگان» در مدارس ابتدایی تهران

مدیرکل آموزش و پرورش شهر تهران از آغاز طرح ملی تامین و توزیع شیر در مدارس تهران پس از ۶ سال توقف خبر داد. به گزارش ایسنا، علیرضا کریمیان در مراسم افتتاحیه آغاز طرح تامین و توزیع شیر در مدارس شهر تهران، گفت: با توجه به سند تحول بنیادین تربیت تمام ساحتی دانش آموزان، توزیع شیر در مدارس نوبدبخش تقویت سلامت جسمی و ذهنی دانش آموزان است که اجرای این طرح مفید و ضروری، پس از ۶ سال توقف با اهتمام دولت سیزدهم در سال تحصیلی ۱۴۰۲ محقق شده است. گفتنی است: دانش آموزان دوره ابتدایی شهر تهران در روزهای یکشنبه و چهارشنبه هر هفته در مدرسه شیر دریافت خواهند کرد.

ابراهیم فاطمی

پیش از این، بسیار درباره خالص سازی صحبت شده است. حالا گستره کار به دانشگاهها هم کشیده شده. دانشگاهها، از دیرباز محلی بوده اند که دولت ها و قدرت ها، نسبت به آن احساس خطر می کردند و به نوعی، دوست داشتند که آن را بر اساس مدل خود کنترل کنند. حالا هم شاهدیم که دانشگاه های کشور، با هدف تحت کنترل قرار گرفتن به شیوه هایی عجیب و غریب در حال خالص سازی است؛ از اخراج اساتید و دانشجویان گرفته تا استخدام نیروهای هم سو و ایجاد شرایطی که منجر به مهاجرت نخبگان دانشگاه شده و می شود. این ها در نهایت، جهش علمی ایران را با خطر بزرگی روبه رو می کنند؛ چیزی که شاید خالص سازان آکادمیک، چندان توجهی به آن نداشته باشند.

هشدارهای وزیر سابق

روز دانشجو را به تازگی پشت سر گذاشته ایم. اخیراً مصطفی معین، وزیر اسبق علوم در دو دولت، در نشستی حضور به هم رسانیده و البته از فروپاشی علمی گفته است. اما فروپاشی علمی، آن هم به روایت وزیری که در دو دولت، وزیر علوم بوده، یعنی چه؟ او ابتدا از پارادوکس دانشگاه در زمان پهلوی گفت؛ که چه در سراسر برای آن حکومت ایجاد کرد. چرا که دانشگاه و توجه به علم، لازمه توسعه بود و البته برای ساختن به دانشگاه، باعث شکل گیری جنبش های دانشجویی شد که به نحوی مانعی بر سر راه قدرت محسوب می شدند.

یادداشت

هنوز هم احمدی نژاد!

این مقام اسبق وزارت علوم، سپس در ادامه صحبت هایش، اشاراتی هم به وضعیت دانشگاهها در دوره فعلی داشته است؛ که آن را به نوعی ادامه دوره احمدی نژاد در روند هدایت دانشگاهها تلقی می کند. او روند اشتباه دولت نهم و دهم را حالا نیز در جریان می داند؛ مثل برخورد با استادان معترض و تعلیق یا اخراج و... آن ها.

فروپاشی علمی ایران؟

مصطفی معین هم چنین در این نشست گفت که: «دانشگاه یعنی سازمان تولید و انتقال دانش و این نهاد باید آزادی آکادمیک داشته باشد تا به داد مشکلات جامعه برسد و لازمه این امر آن است که با توجه به توسعه منابع انسانی، از فروپاشی علمی کشور که با این روند نادرست فعلی متأسفانه امکان وقوع دارد، پیشگیری کنیم.» او سپس، مهاجرت دانشجویان را به قدر ندانستن علم در کشور نسبت داد و آن را جریان ناپذیر دانست. به واقع دو نکته مهم، یکی ارج نهادن به علم و دیگری آزادی دانشگاههاست؛ که طبیعتاً منظور ما آزادی آکادمیک و استقلال علمی و جداز قدرت و حاکمیت است. چرا که آزادی آکادمیک و استقلال فکری، هوایی است که دانشگاهها در آن به رشد خود ادامه می دهند و اگر این هوا مسدود شود، کار به جاهای باریکی می کشد.

دانشگاه به مثابه پادگان

اما ماجرای دولت حاضر، ماجرای دیگر است. ظاهراً مسئولان این تصور را دارند که باید دانشگاهها را نیز مانند پادگان، یکسان سازی کرد، در حالی که فضای این دو با هم یکسان نیست.

مسئولان چنین تصویری دارند که دانشگاه و دانشجویها و خروجی های علمی این مراکز، باید در خدمت قدرت باشد؛ و البته به این صراحت هم بیان نمی کنند، اما نتیجه همین است که اشاره می شود.

نکته اساسی این است که در کشور دانشگاهها تلقی می کند. او روند اشتباه دولت نهم و دهم را حالا نیز در جریان می داند؛ مثل برخورد با استادان معترض و تعلیق یا اخراج و... آن ها.

آزادگی دانشگاهی شان را بخواهند حفظ کنند، دچار درسهای زیادی می شوند. به بهانه استفاده از نیروهای انقلابی، هزاران نفر قرار است که به وزارت علوم تزیق شوند و عضو هیأت علمی شوند؛ سندی که البته درز پیدا کرده ولی به طور قطعی تأیید نشده است. ولی مگر چنین اسنادی این امکان را دارند که به طور قطعی تأیید شوند؟ از سوی دیگر مسئولان در حالی صحبت از آزاد بودن دانشگاهها

چه از دانشگاه می ماند

وقتی کسی مثل محمد مهدی طهرانچی، رئیس دانشگاه آزاد،

بگوید که ۱۸ هزار دانشجوی دکتری جوان

انقلابی، جایگزین اساتید حق التدریس شدند تا

فضای این دانشگاه

انقلابی تر شود؛ یا سندی از شورای امنیت ملی لورود

که در آن درباره جذب ۱۵ هزار هیأت علمی هم سو با

نظام امر شده است

می کنند، که به قول علی شریفی زارچی، که خود جزو معضوبان است، در حالی که در همان روز که وزیر علوم در دانشگاه شریف ادعای آزادترین دانشگاههای جهان در ایران را مطرح می کند، به طور هم زمان هیئت دانشجوی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، به خاطر شرکت در یک جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد، جمعا هشت ترم محروم از تحصیل می شوند.

کجای دنیا چنین است؟

از سوی دیگر محسن برهانی، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران و حقوقدان نیز، وقتی با چنین ادعایی روبه رو می شود چنین سسنوالاتی را مطرح می کند که: «در کجای دنیا شرکت کنندگان در تجمعات دانشجویی را با عنوان «بلوا و آشوب» تعلیق می کنند؟ کجای عالم معلمی را به خاطر تذکر قانون و شرح تعلیق می کنند؟ در کجا اینقدر حراستها میداندارند؟ کجای دنیا اساتید اینقدر در حال تقیه اند؟ اشاراتی کرده بود، دست به رفتارهای کاریکاتور می زد؛ کاریکاتور می زند؟ کجای دنیا برخلاف قانون، شیوه نامه انضباطی را تغییر می دهند تا دانشجویان را بیشتر تحت فشار قرار دهند؟ کجای دنیا اینقدر اساتید و دانشجویان بی پناهند؟ چند کشور در دنیا چنینند؟»

دانشگاهی که باید کنترل شود

البته ماجرای کنترل دانشگاهها، یکی دو دهه ای است که در ایران جدی تر شده است. شاید دفعه اول ماجراهای کوی دانشگاه و قبل و بعد از آن چنین حسی را ایجاد کرد که باید

چنین مراکزی کنترل شوند. هر چند که قبل از آن، یعنی در سال ۱۳۷۲، ایده اسلامی کردن دانشگاهها و علوم مطرح شده بود که یک سره با شکست روبه رو شد. ۱۰ سال بعدتر، یعنی حوالی سال ۱۳۸۸ نیز چنین احساسی در قدرت قوی تر دنبال شد. در یکی، دو سال گذشته هم که اعتراضات دانشجویی، باعث شد تا حتی حفظ ظاهر هم صورت نگیرد و مثل سال گذشته، شاهد ورود نیروهای امنیتی و محاصره دانشگاه شریف و... توسط امنیتی ها باشیم.

این جا احترام دارم؛ آنجا چه؟

نتیجه همه این موارد، سرخورده شدن دانشگاهیان خواهد بود. محمود سریع القلم، استاد دانشگاه شهید بهشتی و پژوهشگر توسعه، نقل می کند که به نروژ دعوت شده بود. به دانشگاهی در مرکز این کشور رفت و اتفاقاً دید که مسئول یکی از بخش های مهم دانشگاه، یک ایرانی است. این ایرانی، با ذوق و شوق تمام، آن قسمت دانشگاه و کارهایی که قرار است بعدها انجام شود را توضیح می داد. سریع القلم می گوید به او گفتیم که چرا در ایران نماندی و به ایران نمی آیی که چنین کارهایی بکنی؟ او جواب داده بود که ببینید، من به این جا آمدم و به عنوان یک ایرانی مهاجر، این مسیر پیش رویم نهاده شد تا به این جایگاه برسم؛ به من احترام گذاشتند و امکانات به من دادند و اعتماد کردند، چرا باید چنین جایی را ترک کنم و به جایی برگردم که مشخص نیست به من اعتماد و احترام می شود یا نه؟

وقتی دانشگاهها

باید انقلابی شوند

چه اهمیتی دارد که کسی مثل محمد مهدی طهرانچی، رئیس دانشگاه آزاد، بگوید که ۱۸ هزار دانشجوی دکتری جوان انقلابی، جایگزین اساتید حق التدریس شدند تا فضای این دانشگاه انقلابی تر شود؛ یا همین سند لورفته که تأیید نشد، درباره جذب ۱۵ هزار هیأت علمی هم سو با نظام، که ظاهراً توسط شورای امنیت ملی ارسال شده بود. مسأله اصلی این جاست که دولت و حکومت، همان طور که محسن رزانی در یادداشت معروف «سقوط» خود در بهمن ماه سال گذشته به آن اشاراتی کرده بود، دست به رفتارهای کاریکاتور می زد؛ کاریکاتور می زند؟ کجای دنیا برخلاف قانون، شیوه نامه انضباطی را تغییر می دهند تا دانشجویان را بیشتر تحت فشار قرار دهند؟ کجای دنیا اینقدر اساتید و دانشجویان بی پناهند؟ چند کشور در دنیا چنینند؟»

دانشگاهی که باید کنترل شود البته ماجرای کنترل دانشگاهها، یکی دو دهه ای است که در ایران جدی تر شده است. شاید دفعه اول ماجراهای کوی دانشگاه و قبل و بعد از آن چنین حسی را ایجاد کرد که باید

محسن برهانی، حقوقدان،

در واکنش به ادعای وزیر علوم مبنی بر

اینکه «دانشگاه های ما آزادترین دانشگاه های دنیا

هستند...» نوشت: «در کجای دنیا شرکت کنندگان

در تجمعات دانشجویی را با عنوان «بلوا و آشوب»

تعلیق می کنند؟ در کجا اینقدر حراست راه

می اندازند؟ کجای دنیا تقیه اند؟ کجای دنیا

بر خلاف قانون، شیوه نامه انضباطی را تغییر می دهند

تا دانشجویان را بیشتر تحت فشار قرار دهند؟

کجای دنیا اینقدر اساتید و دانشجویان بی پناهند؟»

این روزها به واقع نوعی امام صادقی سازی دانشگاهها دارد دنبال می شود؛ همان طور که در عرصه

مدیریت و... نیز دنبال شد. وقتی دانشگاهی دانشجویان را تقیه نمی بیند،

و جایگاهی برای علم خود نمی یابد، چه چاره ای جز مهاجرت یا ترک علم

و دانشگاه برایش می ماند؟ آن هم در حالی که ادعای آزادی دانشگاههای

ایران مطرح می شود. چنین می شود که در نهایت، احترام به علم به جایی

می رسد که سیداحمد علم الهدی، نماینده ولی فقیه در خراسان رضوی،

در مورد مهاجرت نخبگان می گوید: «فقط به این دلیل که در فلان کشور

همسایه امکانات بیشتری می دهند، چشم بر رنج ملت خود می بندد تا

خودروی لوکس تر سوار شود و در خانه وسیع تر زندگی کند، شما این انگیزه

برای مهاجرت را تقدیس می کنید؟ به نظر شما، یک دولت یا یک حاکمیت

برای حفظ این افراد باید چه کار کند؟ یعنی بنیاد به قیمت تقویت اختلاف

طبقاتی و محروم ماندن بسیاری از مردم از حداقل امکانات، تنهاهای

نفسانی و میل فرد به کسب بی حد و حساب مال را تأمین کند تا فقط او از

کشور نرود؟»

مرزهای خفقان

وقتی نگاه به مهاجرت و آسیب شناسی آن چنین باشد و بر خوردهای قهری و تعلیق ها و اخراج ها در این حد صورت گیرد؛ پس بر بیراهه نخواهد بود محسن رزانی، اقتصاددان نام آشنای ایرانی، بگوید: «فشارهایی که طی دو سال گذشته در دانشگاه آمده دانشگاه را به مرز خفقان رسانده است و ما دو سال است که شاهدیم به صورت خرنده و بی سروصدا استادان جوان غیر همسو، قرار دادشان تمدید نمی شود یا در حالت معلق و بدون افزایش حقوق سالانه نگاه داشته می شوند.»



اشکال شرعی و قانونی دارد که چند جوان و یک پیر مرد با آهنگی رشتی کف بزنند و شادی کنند؟! با احضار و اظهار قرار است ذائقه و فرهنگ فولکلور مردم تغییر کند؟! شاید هم قرار است عالم و آدم بفهمند شعر استاد شفیعی کدکنی: «طفلی به نام شادی، دیری ست گم شده ست»، نقشه راه جامعه امروز ما شده است!

فرهنگ با دستور تغییر نمی کند، اگر می کرد «پار دیستان منی» فراموش می شد و این موج رسانه ای در حمایت از «او... او...» پیر مرد ساده رشتی هم به راهی افتاد. راستی دور از چشم شما، مداح هم نور دما هم سر کوه ترانه تر کی «ساری گلین» می خواند!

طفلی به نام شادی، دیری ست گم شده ست!

مهدی نورمحمدزاده

چندی قبل یکی از دوستان در پاسخ به تعارف گرم صاحبخانه سر سفره شام، حرف جالبی زد: «به نظر ما مذهبی هافقط دو جور لذت داریم، غذا خوردن و عبادت کردن. ما که از لذت عبادت خالصانه محروم هستیم، پس لاقول لذت غذا خوردن را از دست ندهیم!»

این کلام طنانانه راوی مراتبی از حقیقت است. در چندین نظرسنجی معتبر، «رستوران رفتن» اولین اولویت ایرانی ها در تفریحات خانوادگی اعلام شده است. همچنین هویت دینی جامعه و حاکمیت بر آمده از شریعت نیز دایره تفریحات مجاز را به طور طبیعی محدود کرده است. اصولاً محتوای غالب ادیان و مذاهب رابطه خوبی با شادی و لذت در مقیاس دنیوی ندارد و بلکه دعوت ادیان به ترک لذات مادی و وعده لذات بزرگتر و عمیق تر در جهان دیگر است. اما سؤال این است که در ک لذات عمیق و معنوی برای چند درصد دینداران اتفاق می افتد؟! یا انسان های معمولی هم می توانند همانند اولیاءالله از گرسنگی و تشنگی و قناعت و ریاضت و سکوت و عبادت های طولانی لذت ببرند و احساس شادی کنند؟! واقعیت این است که انسان دیندار هم مثل همه انسان های دیگر ذاتاً گرایش به

لذت دارد. اگر لذتی متعالی از ایمان و فعل و پرهیز دینی خود احساس نکند، یا یک روزی کم می آورد و زیر همه چیز می زند و یالذتی ساختگی و توهمی راه خود تلقین می کند و بالذت خوشی آن از لذات دنیوی چشم می پوشد. به عنوان نمونه، برخی شواهد تاریخی نشان می دهد ترویج و رونق «سماع» در تصوف، کار صوفیانی بوده است که از لذت مکاشفه و تجربه احوال ناب عارفانه محروم مانده و خواسته اند با حرارت رقص و موسیقی، خلسه و لذت اتصال به حقیقت را به شکل حداقلی تجربه کنند، و آسماع چه چیزی بر مکاشفات و احوال عارفانه ابوسعید و ابوالحسن خرقانی می تواند اضافه کند؟! مناسب سازی در پاسخ به نیاز لذت طلبی و شادی خواهی مریدان مختص تصوف نیست، برخی مناسب مذهبی ما نیز گاهی در پاسخ به مطالبات، آرزوها و ذوقیات معتقدان و پیروان شکل گرفته و با غلظت یافته اند. شر حش بماند که مفصل است و پر حاشیه!

داستان رقص و شادی پیر مرد رشتی و مخصوصاً پیامدهای رسانه ای آن نیز نمودی از حال پریشان و عطش شادی در جامعه امروز ماست که نسبت چندانی با ایده آل ها و آرمان های تلقینی حاکمیت ندارد. وقتی دستمان در «فلسفه شادی» خالی است و در عمل هیچ الگو و برنامه ای برای پاسخ به طلب شادی و لذت متراکم جامعه نداریم، محدودیت و پروردسازی برای بنیان شادی حداقلی مردم چه معنایی دارد؟! واقعا چه